



استاد
سیاوش پازوکی

فینال



جمع‌بندی ترم دوم

فارسی
پایه یازدهم

لغت و املا

سلاهی

۱- معنی لغات مشخص شده را بنویسید.

الف) بدان شمشیر تیز عافیت سوز

ج) هامون اگر دریا شود از خون بتازید

دهشت - زمین هموار

از بین برنده سلاهی

کم کاری - سستی - لوناھی

ب) اهمال جانب من جایز نشمری

د) مگو سوخت جان من از فرط عشق

زیاری - اغزونی

۲- نادرستی املائی را از داخل پرانتز انتخاب کنید.

الف) حالی (صواب - ثواب) آن باشد که همگنان استخلاص یاران را مهم تر از تخلص خود شناسند.

ب) صیاد در پی ایشان ایستاد بدان امید که آخر درمانند و (بیفتند - بافتند)

ج) ایشان حقوق مرا به طاعت و مناصحت (بگذارند - بگرارند)

رها کردن
 قرار دادن
 عبور کردن
 به جای آوردن
 ادا کردن
 اجرا کردن

گذارد
 فنزینی

بگذارد

صواب = کار درست
 ثواب = پاداش

گروه چاکران و نوران

۳- در کدام گزینه املاي همه واژه ها به درستي نیامده است؟

- الف) هزاره و بانگ - توقع - صعب و دشوار
- ب) رقعت و نامه - خيلتاشان - زریاره
- ج) دیدار همایون خداوند - غزو هندوستان
- د) مغرون و نزدیک - روباه دغل - مناسک حج

مغرون

توقع - امضا - هم کردن
 رقت (رقعت) - نامه - نامه لونا

۴- در هر گزینه کدام واژه نادرست نوشته شده است. املاي درست آن ها را بنويسيد.

الف) مولانا بعد از پدر به **اسرار** مریدان مجالس درس و وعظ پدر را برعهده گرفت.

ب) شلخته و هیل **حبو** و هر دم بیل هستی

ج) می خواستم با این ریخت **مضهک** سربه سر خواهر بگذارم.

خنده دار
ضحاک

ریشه یابی

اسرار (جمع سر)

اصرار و پاشناری

هم
او
او
او

بَلَّغْنَا

معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) هم آن گه بکایک ز درگاه شاهج) زاغی بر درخت بزرگ گشن خانه داشت

بزرگی

ب) مواجب سیادت مرا به ادا رسانید. (درس کبوتر صوفی در)د) من قلا کردم و روزی که پیرزن نبود، رفتم سر بقچه‌اش

شیطنت

دَمِ زَاغِ وَ بَرِّ - اَبْوَه

(ورق)

املاي درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف) من نهایت (بعد) اختیار کردم که (غربت - قربت) را خطر بسیار است.

ب) بزن زخم این (مرحم - مرهم) عاشق است. که بی زخم مردن غم عاشق است.

هم او را

قربت ← نزدیکی

غربت ← (ورق)

مَحْمِلٌ : مَهْدٌ - لَجَاوَهُ

نَلَّهَ
مَحْمِلٌ : بِيَهْوَرَهُ

با توجه به معنی، املای کدام کلمه نادرست است؟
الف) روضه: باغ و گلزار ✓
ب) فراق: آسایش ✓
درست

فراق در دوری
منع از آوردن
نادرست

بور ← سرف / بور شرن ← خجالت زده شرن

معنی واژه های مشخص شده را بنویسید.

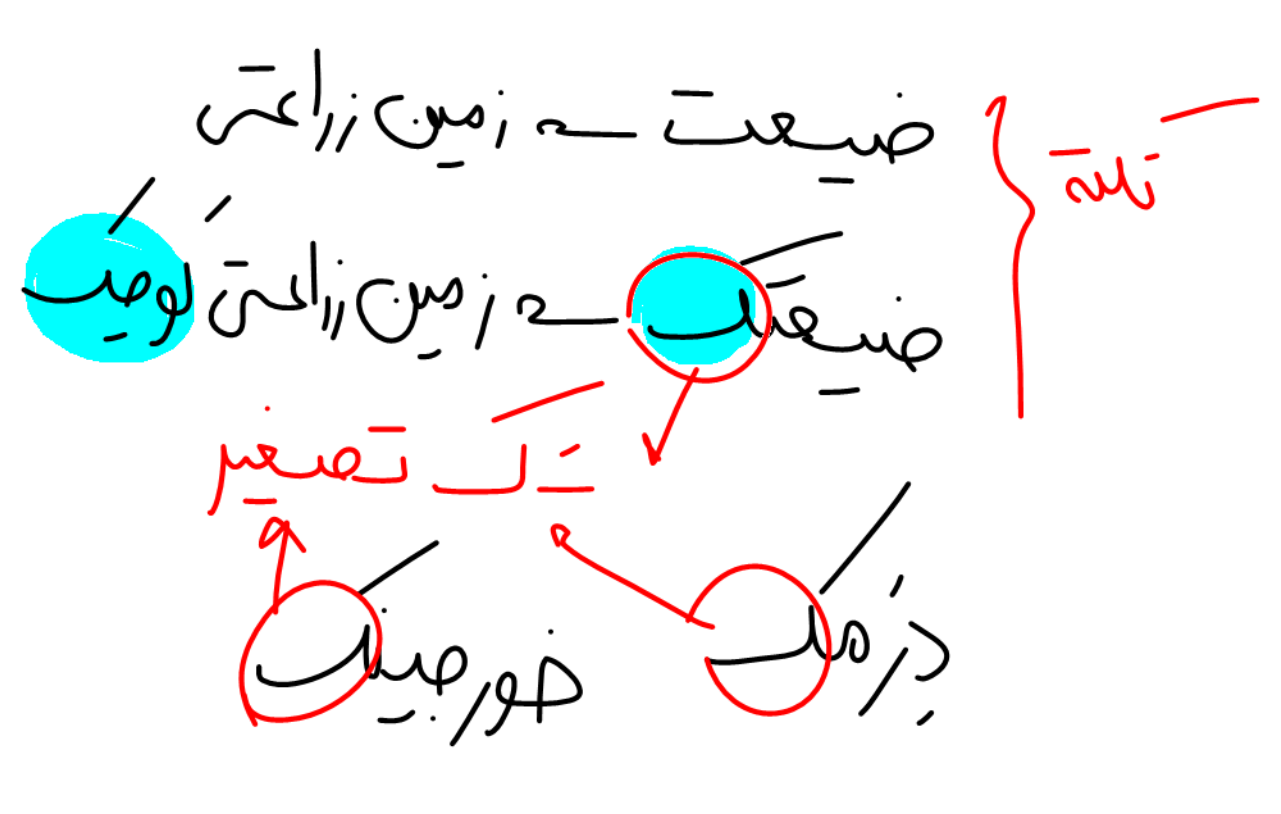
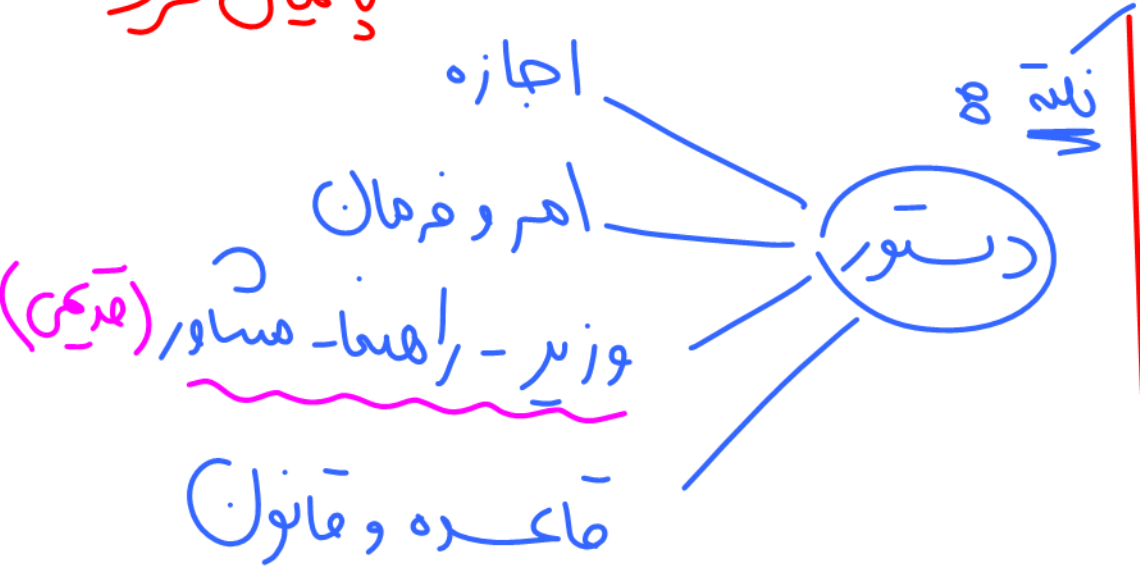
الف - اندک مایه «ضیعتی» دارند. (زمین زراعتی)

ج - پایم به چیزی می خورد؛ من «بور» می شدم. (سرف)

ب - از او خواست «دستوری» اما ندید. (اجازه)

د - بدرید و «بسپرد» محضر به پای (زیر پا گذاشت)

یا بمیال کرد



توز

متسب به شهر توزی

گرم (سند)

روی

غلط‌های املائی را در گزینه‌های زیر اصلاح کنید.

الف) امیر را بر زبر تخت با پیراهن طوزی، مخنقه در گردن و عقدی همه کافورا نشسته دیدم.

ب) ایشان حقوق مرا به طاعت و مناصحت بگذا دند و به معونت و مظاهرت ایشان از دست صیاد بجستم.

یاری

بگذا دند

صیحت‌پذیری

اطاعت‌کردن

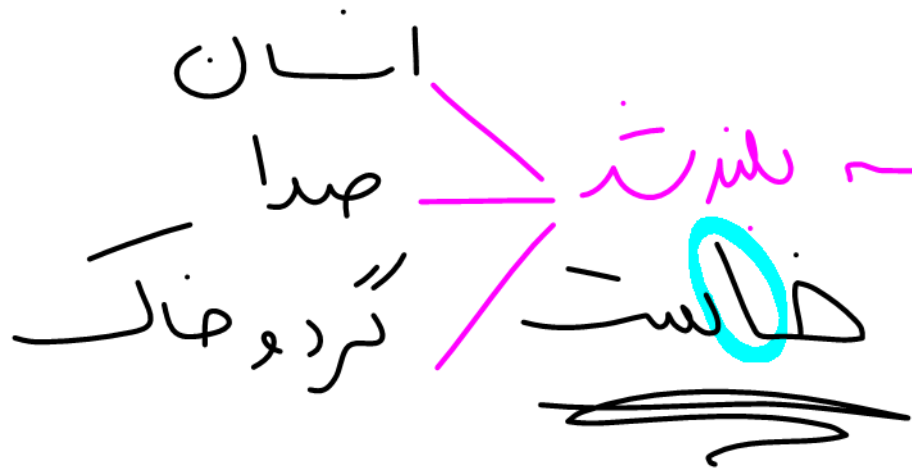
حقوق ... به جای هم آوردند

گزار

صفتی بوی دودن و راه رفتن

واژگان صحیح را انتخاب نمایید:

- الف) از (فرت - فرط) هیجان لکه می دویدم.
- ب) حالی (ثواب - صواب) آن باشد که جمله به طریق تعاون قوتی کنید.
- ج) چون ایشان حقوق مرا به طاعت و (مناصحت - مناسحت) بگزارند.
- د) حمل بر بی استعدادی و (مهملی - محملی) و ولنگاری ام کردند.
- ه) بانگ از (جرس - جرس) برخاست.
- ز) و به معونت و (مظاهرت - مظاهرت) ایشان از دست صیاد بجستند.
- ح) ایشان حقوق مرا به طاعت و مناصحت (بگذارند - بگزارند).



سرزنش

معنای واژگان مشخص شده را بنویسید.

الف) ابلیس پرتلبیس یک باری گرد او طواف می کرد.

ب) فلک باخت از سهم آن جنگ رنگ.

پ) و الا طاعنان مجال وقیعت یابند.

ت) مادرم شماتم می کرد.

ب) ملائت و سرزنش

لغت صحیح داخل کمانک را انتخاب کنید.

ز هم رد نمودند هفتاد (حرب - هرب)

هم خانواده

لعل

(روری) و نرنگ و فریب

نرس

لا لوی

لبرایی

املاي درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف) از (قضاي / غذاي) آمده، پس از نماز، امير کشتي ها بخواست. (طلب کرد)

ب) بزن زخم اين (مرحم / مرهم) عاشق است

ج) مواجب (صيادت / سيادت) را به ادا رسانيد.

د) دو برادري مثل (الم / علم) يزيدي مي مانيد.

کلمه — مرهم — سرق — رهش

الم — درد ورنج

همه را

قضا — تقدیر — سر نوشت

غذا — خوراک

غزا — جند

املاي درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف) ایزد رحمت کرد پس از نمودن قدرت و (صوری - سوری) و شادی ای به آن بسیاری، تیره شد.

ب) سپیده فردای گنجه با نهیب و (صفیر - سفیر) سفیر (گلوله های توپ روس، باز شد).

نهیب : صدای بلند
نهیب : مَسَابَد

صفیر ← صدأ

رفیر ← فرستاده - کابینه

لور ← چشم

صور ← شیور

ثور ← طاو

شهره پند

ب) بپوشند هنگام زخم درای

د). بر سبیل اعتذار این بر زبان راند

عذرخواهی

۱۵۰

معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید

الف) دیگر روز رقعتی نبشت.

ج) بر مصطفی بهر رخصت دوید.

نام

اجازه

۳- در هر یک از موارد زیر، یک غلط املایی وجود دارد، آن را بیابید و املای صحیح را بنویسید.
الف) چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش // ز دیوار مهرباش آمد به گوش

مهرب

ب) بدان محضر اژدها ناگذیر // گواهی نوشتند برنا و پیر

ناگذیر

۴- املاي صحيح را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف) دربار از درون در (طَبْر - ~~تَب~~) و تَاب و التهاب بود.

ب) دو برادري مثل (آلَم - عَلَم) يزید می مانید.

۵- باتوجه به معنا، املاي صحيح داخل کمانک را انتخاب کنید.

الف) (هلاوت - حلاوت) شیرینی

هم خانواده : حلوا

ب) (معونت - مئونت): کمک - یاری

هم خانواده :

معاون

چهارشنبه - بیماری

نکته‌ها

کدام واژه‌ها در دو عبارت زیر، **ترادف معنایی** دارند؟

« تا این عارضه افتاده بود، بونصر نامه‌های رسیده را، به خطِ خویش، نکت بیرون می آورد. »

گفت: « بونصر را بگوی که امروز دُرُستم و در این دو سه روز، بار داده آید که **علت** و تب تمامی زایل شد. »

اجازه ملاحظه

خانه - منزل
سب - راز

ترادف هم مفی

①

ضد هم

②

بم همن - تلوار
درید گروه دسته بندی گروه

تناسب

③

عضو هم هستن - خیابان - شهر

④

زیاده‌طاری - طاری بدهوده

واژه مشخص شده در بیت «گو، یا رب از این گزاف‌کاری / توفیق دهم به رستگاری» با کدام واژه در عبارت زیر تضاد معنایی دارد؟

«شاید هم در بعضی موارد حق داشتند منزوی شوند؛ چون به هر حال همیشه افراط و تفریط‌های بعضی‌ها، مشکلاتی ایجاد می‌کرد.»

زیاده‌روی
کم‌طاری

خواست

در کدام عبارت نادرستی املايي دیده نمی شود؟

الف) تا سعادت دیدار همایون خداوند، دیگر باره یافتم و آن نامه را بخواند و دوات ~~خواست~~ و توقیع کرد..

ب) بزد بر سرش، ترگ بشکست خورد. ~~خرد~~

ج) محبت و علاقه هیچ یک از دیگری ~~صلب~~ نشود. ~~سلب~~

د) ~~خاک~~ سوگند برداد به عزّت و ذوالجلالی حق که مرا مبر که من طاقت قرب ندارم و تاب آن نیارم؛ من نهایت بعد

اختیار کردم.

نزد من

املاي درست واژه را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف) سربازان و فرماندهان را پیش از آنکه حکم و سفارش حاکمان و (خوانها) خانها در این مکان گرد آورده باشد.

ب) علم در همه بابی لایق است و عالم در آن باب بر همه (فایق/فایغ).

ج) اگر حق تعالی را با این (غالب/قالب) سر و کاری خواهد بود، در این موضع تواند بود.

هیچره
 بدیده - سرور
 غالب
 چهارصوب
 قلب
 من - هم

خالق
 برزنده

خان ← پیش
 خوان ← نزه

تجربیهایی گاه؟

در گروه کلمات زیر، املاي دو واژه نادرست است؛ درست آنها را بنویسید.

حلاوت سنج معنی - لطف و صنع - منبع بی شائبه - شمشیر عافیت سوز - وعظ و اندرز - ~~غظنفر~~ شجاع - طعن و

ناسزا - حماسه سترگ - نهضت و انقلاب - ~~رشبهه~~ و قطره

غظنفر (شیر)

رشحه

رَسَدَ

در بیت‌های زیر، املاي دو واژه نادرست است؛ شکل درست آنها را بنویسید.

به سر کوفت شیطان دو دست دریغ

چرا رنج و سختی همه ~~بخر~~ بااست

ز امواج گران، کوه از پی کوه

رَسَدَ

الف) چو شیر خدا راند بر ~~خضم~~ تیغ

ب) اگر هفت کشور به شاهي تو راست

ج) به رود سند ~~می غلطید~~ بر هم

می غلطید

بهر دریا
بهر پای

دستور زیبان

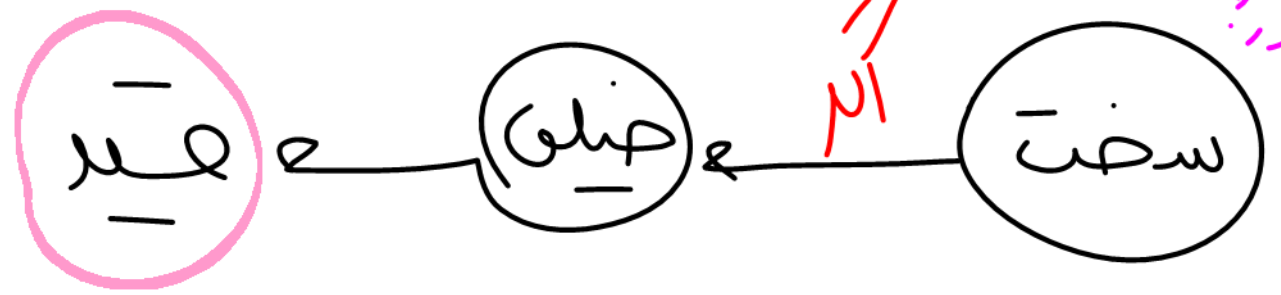
کاربرد دستوری واژه «سخت» در کدام جملات یکسان است؟

الف) گفت: «خداوند این سخت نیکو کرد». *صید*

ب) در شب آخر که بیماری مولانا سخت شده بود. *مند*

ج) درماند پدر به کار او سخت *صید*

تذ (انگاری)



صیل

یاغناه

صید
صیل

صفا؟

۶- نقش واژه های مشخص شده را بنویسید. (نهاد، مفعول، مسند، متمم)



۹- قیدها را معلوم کنید. (دو مورد) مَدْرَمَان

اگر یک لحظه امشب دیر جنبد / سپیده دم جهان در خون نشیند

مَدْرَمَان مَدْرَمَان

زمان
مکان
لیفت
صالت
:

حدواندازه و چهارهوب

مَدْرَمَان

هم لکه این تنون داشته باشد

مَدْرَمَان

کَمَاتِ شَ / چَمان - چَمان - چَمان

به از در بر برای با تا چون چیزی + **متن**

تنبیه
مفعل

کاو مانند اگر چه من نمانم

با دست اشارتم کرد که عزم سوی ما کن

آزاد کن از بلای عشقم

الف) از عشق **من** / به غایتی برسان **مفعول**

ب) با دست به **من** اشارت کرد **متن**

ج) **من** را از بلای عشق آزاد کن **مفعول**

نقش ضمیر پیوسته در کدام بیت، متفاوت است؟

الف) کز عشق به غایتی رسانم

ب) در خواب دوش، پیری در گوی عشق دیدم

ج) دریاب که مبتلای عشقم

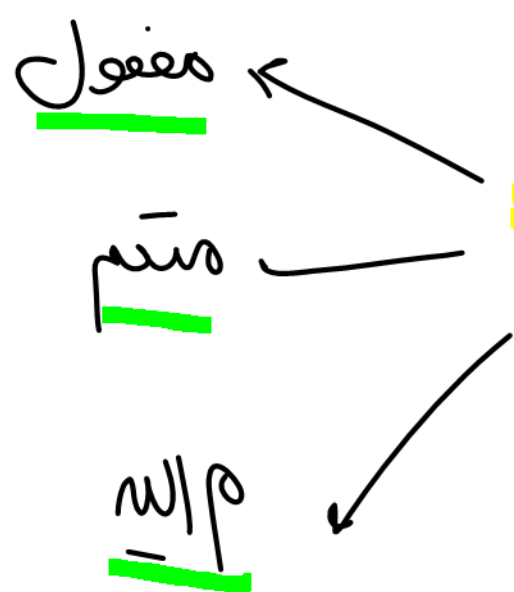
هتَم
(ضد)

مفعول

متن

م

ضمیر پیوسته
(نقش)



ضریب (متروک)

وضعیت کدام واژه در گذر زمان همانند واژه «غو» در مصراع «بدیدنش آن جا و برخاست غو» نیست؟

- الف) بریده دل از ترس گیهان خدیو (ب) پوشند هنگام زخم درای
 - ج) بدو گفت مهتر به روی دژم (د) بدرید و بسپرد محضرا به پای
- محضرا
- قدیم ~~استشهادنامه~~
 - جدید ~~گل صبور~~
- دختر خانه

وضعیت واژگان

- ۱) یک لغت بدون تفسیر معنایی امروزه هم استفاده شود.
- ۲) متروک (از زبان امروزی ماری حذف شده اند)
- ۳) حذف معنای قدیم و گرفتن معنای جدید
- ۴) از دست دادن معنای قدیم و گرفتن معنای جدید

روز

بمستوان

جایی زیر زمین

وید بهی

جدید: لطیفو

شوخ

لذت: حرک

امیر نامه را نوشت (معلوم)

در عبارت زیر، جمله مجهول را بیابید و آن را به جمله معلوم تبدیل کنید.

« بونصر سخت شاد شد. و سجده شکر کرد خدای را عزوجل بر سلامت امیر، و نامه نبشته آمد. »

در مجهول

جمله مجهول به جمله این به یاد آن مضمین

تَاب، جَرَدِه نَوَسْتَه نَدَر

معلوم

- ① حذف یاد ✓
 - ② مفعول جای به ✓
 - ③ اضافه نرسد به فعل
- ایه

یاد ✓ علی تاب، جَرَدِه نَوَسْتَه فعل

~~علی تاب، جَرَدِه نَوَسْتَه (معلوم)~~

تَاب، جَرَدِه نَوَسْتَه

مجهول

جمله معلوم

جمله این است که یاد (فاعل) آن

مضمین است

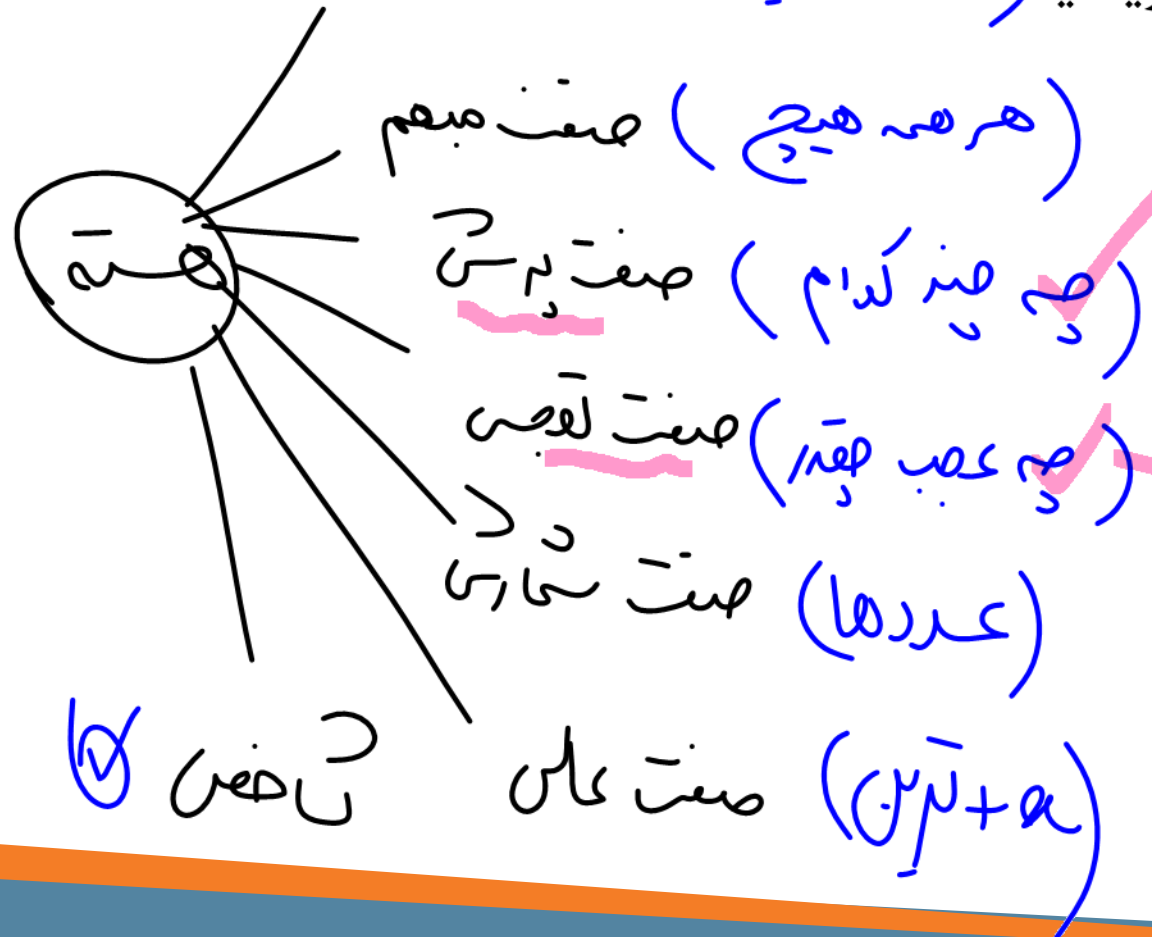
صفت تقصیر

با توجه به بیت «چه جانانه چرخ جنون می زنند» **د ف** عشق با دست خون می زند» به پرسش ها پاسخ دهید.

مهر می زند را ۹
فعل

(الف) نوع وابسته پیشین در بیت بالا را بنویسید.

(ب) نقش دستوری واژه مشخص شده را بنویسید. (این آن هین... - صفت اشاره)



تفاوت معنایی واژه «گر» را در بیت های زیر بررسی کنید.

الف) تو شاهی و **گر** ازدها پیکری بیاید زدن داستان، آوری

ب) جانان من **برخیز** و آهنگ سفر کن **گر** تیغ بارد، گو ببارد، جان سپر کن

حرف ربطا وابته ساز

صرف ربطا وابته ساز

که (امر)

معنای «ربا» می رهد.

در کدام گزینه، دو نوع نقش تبعی، دیده می شود؟

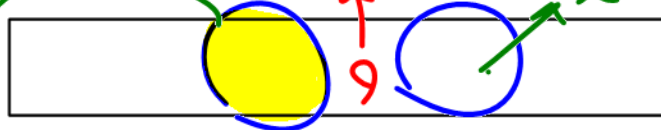
الف) مادر فریدون، **فرانک** پسر را به البرز کوه می برد و به دست مردی پاکدین می سپرد. ①

ب) سلطان ولد، **فرزند مولانا** هر دم بی تابانه به بالین پدر می آمد و باز از اتاق بیرون می رفت. ①

ج) این شیخ همیشه شاب، پیرترین و **جوان ترین** شاعر زبان فارسی، **معلم اول** که هم هیبت یک آموزگار را دارد و هم

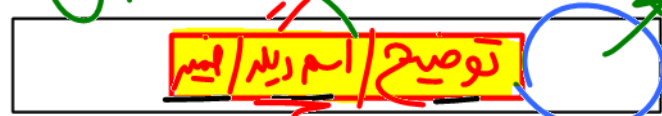
مهر یک پرستار.

مهر یک پرستار (نقش تبعی)



① معطوف ←

تبدیل (تبعی)



② بدل ←

نقش های تبعی

بدل در همان جمله ۲ بار باید باشد

معنا و همان نقش تبعی

③ تکرار ←



از نام آوردم / از نام تکرار

روان

ببینزه

ببنا

سین
لوی

لیر

۱۰- جای خالی جدول زیر را پر کنید.

صفت فاعلی	روان	بن مضارع	مصدر
لذرا / لذرا / لذرا	لوی	لذر	گذشتن

بن مضارع + ا

بن مضارع + ان

بن مضارع + لده

صفت فاعلی

رفتن → رفت
بنها من

رف → رف
بن مضارع

~~مصدر~~

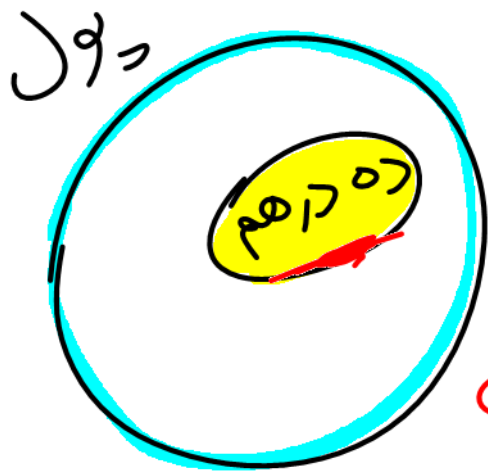
~~ب امر~~

بن ما من

بن مضارع

مصدر

آراییه های ادبی

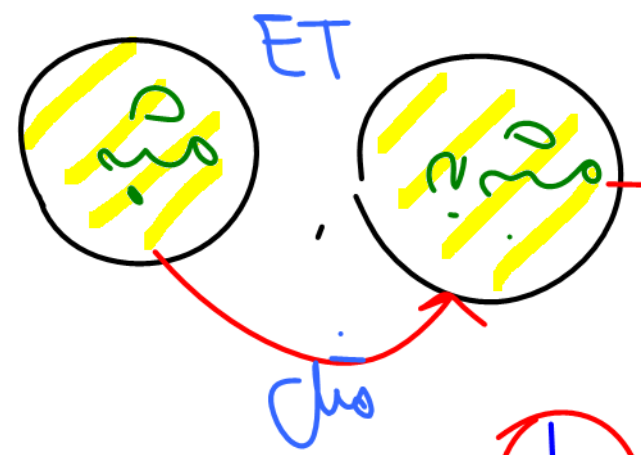


آرایه مناسب موارد مشخص شده را بنویسید:

الف) ابوالحسن و پسرش وقت باشد که به ده درم ادرمانده اند. (مجاز)

ب) به خوناب شفق در دامن شام / به خون آلوده ایران کهن دید (تبیه) ^{اصناف تبیه}

ج) زهاب دیدگان بگشاد و بر رخسار، جوی ها براند. (استعاره)



آرایه ادبی مشترک در مصرع‌های زیر چیست؟ **حسن آمیزی**

الف) سالهای دفاع و **پایان تلخ**ش واقعیتی را به ما نشان داد.

ب) سپهبد به **گفتار** او **بنگرید**.

تنوایی بینایی

۱= حسن با هم برانیدند

سیرین سخن

۲= احسن بی ربط به صندل

زندگی تلخ

حسن آمیزی

(آمیزش صد حسن)

حواص

- سنایی
- بویدایی
- صیادی
- لامعی
- شترابی

از ستون «ب» آرایه متناسب با هر مورد از ستون «الف» را انتخاب کنید. (یک مورد آرایه اضافی است.)

با هم

الف) فرمان رسید این خانه از دشمن بگیرید / تخت (نگین) از دست اهریمن بگیرید	۱- جناس
ب) بزن زخم این مرهم عاشق است / که بی زخم مردن غم عاشق است	۲- تلمیح
ج) به شهر اندرون هرچه برنا بدند / چو پیران که در جنگ دانا بدند	۳- ایهام
د) نهادند آوردگاهی چنان / که کم دیده باشد زمین و زمان	۴- متناقض نما
	۵- تضاد

① هم ف اختلاف

۲ اتفاق هم زمان غیر ممکن

خرق عادت

زمینه حماسه بیت زیر را مشخص کنید.

حاله تضرکی له در مورد غند و دکبری

چو ضحاک بر تخت شد شهریار بر او سالیان انجمن شد هزار (هزار سال خدمت)

زمینه های حماسه

- ① ملی و مدنی - در مورد آداب و رسوم - اعتقادات گذشته / کسور - سرز و بوم - خدمت - پادشاهی باج و
- ② متمدنی - در مورد ویژگی های خوب اخلاقی و توانایی های صبیح صبه همان داستان (ضجاری - سوارکاری)
- ③ خرق عادت - آوردن یک اتفاق یا موجود خارق العاده - عجیب و غیرقابل باور
- ④ داستان - بی از حماسه که ملی، شهروانی - خرق عادت باشد.

چرا به دانه انسانیت این گمان باشد؟

* علی هو لود استوار است
 ادات مبه وجهی



«مشبه» را در تشبیه بیت زیر، مشخص کنید.
 کدام دانه فرو رفت در زمین که نرست

- بجای = مثل
- ۱) مکتب = موضوع اصلی
 - ۲) مکتب = مسائل که آوردم
 - ۳) ادات = مثل / مانند / هو / هو
 - ۴) وجهی = و شریک مشترک بین م و م

هر یک از واژه های مشخص شده مجاز از چیست؟

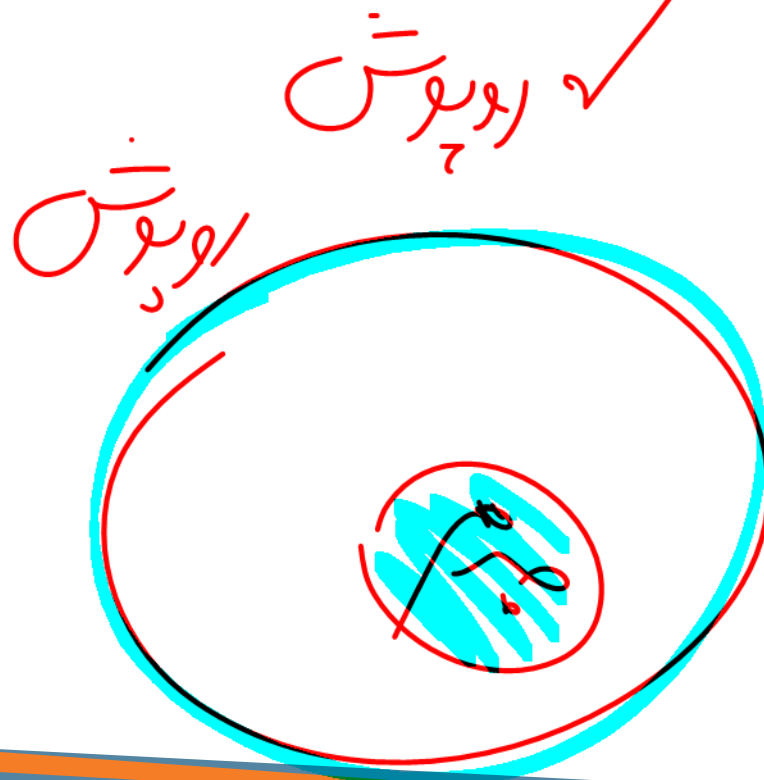
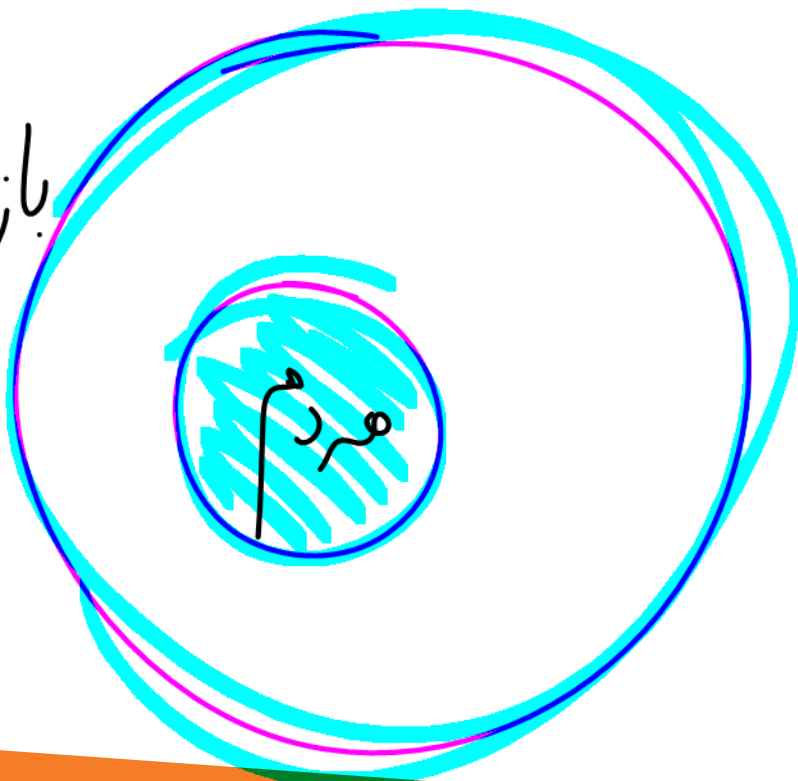
الف) چو کاوه برون شد ز درگاه شاه

ب) از آن چرم، کاهنگران پشت پای

بر او انجمن گشت بازارگاه بیوشند هنگام زخم درای

مردم بازار

بازار



رست-مست

ساز

توضیح

در بیت زیر، شاعر چگونه آرایه جناس همسان (تام) را پدید آورده است؟

با زمانی دیگر انداز ای که پندم می دهی

کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست

جناس تام

لَا لَعْنَةَ عَيْنٍ هَمَّ هَمَّ مَعَا مَعَاوَاتَ

تام

جناس

هَمَّ هَمَّ مَعَا مَعَاوَاتَ - ① اِهْتِلَافٌ لَوْحٍ (تلفظاً)

ساز / صند / رنجه / مست

لفظی

«دریای خون» در بیت زیر استعاره از چیست؟

غروب آفتاب خویشتن دید

در آن دریای خون، در قرص خورشید

استعاره از (موقع خوب)

در آن دریای خون در دست رنار بند

به میدان میزند

ادوات

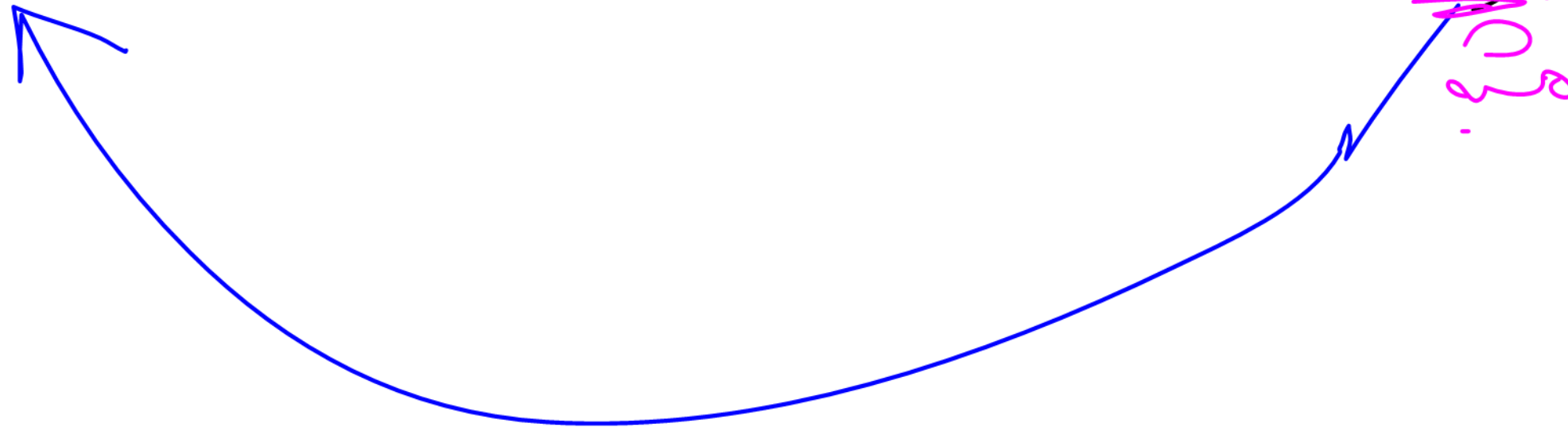
تشبیه را در بیت زیر بیابید و «**مشبه**» و «**مشبه به**» را مشخص کنید.

چو بر شاخ زمرد، جام باده

شقایق بر یکی پای ایستاده

مشبه به

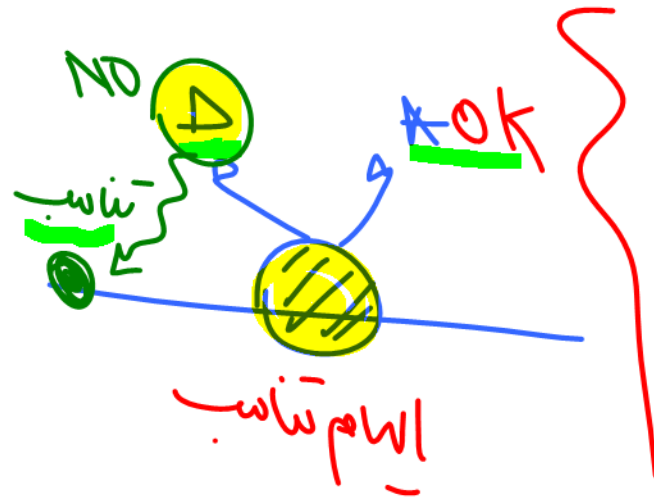
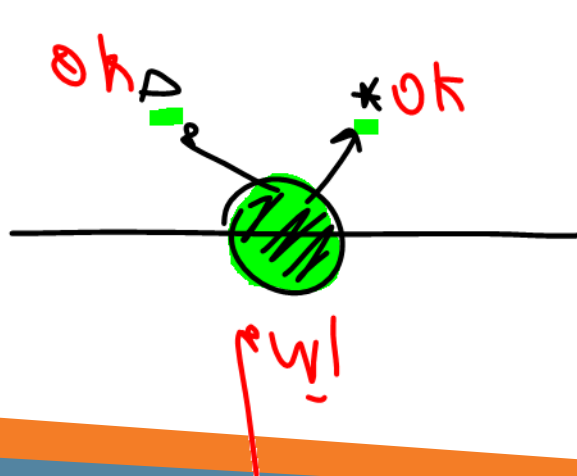
مشبه



وسیلہ صنیٰ ← ضربہ

هر یک از ابیات «ستون الف» با کدام آرایه در «ستون ب» ارتباط دارد؟ (یک مورد اضافی است.)

ب	الف
ایهام تناسب ✓	صوفیہاں محبوب / موقیہاں بعدی
مجاز ✓	(۱) گریه کنی اگر / کہ آفتاب را ندیده ای / ستاره را ہم نمی بینی
حسن تعلیل	(۲) درفشان لاله در وی چون چراغی ولیک از دود و بر جانش داغی
استعاره ✓	(۳) چنان آن دو ماهر در آداب ضرب ز ہم رد نمودند هفتاد حرب



حسن تعلیل: دلیل غیر واقعی
برای اتفاق و لغت

دینی نور
مس آمیزی

آرایه مورد نظر را نام ببرید.

ب) شهر سرد، مهتاب سرد، یک تاریخ سرما

د) در حلقه زلف کعبه زد دست

با توجه به قسمت های مشخص شده
الف) خوان عدل را بر همگان گسترده

ج) علم کرد شمشیر آن اژدها

اصفاره



ES

اصفاه اصفاری

ES



مثل اسنانی است

دست ، زمان

ES

ET

نظایرِها مضمیاً (نظایر)

در ابیات و جملات زیر، بخش مشخص شده بیانگر کاربرد کدام آرایه ادبی است؟

الف) پدرم دریا دل بود در لاتی کار شاهان می کرد نظیره جسنده

ب) با زمانی دیگر انداز ای که پندم می دهی کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست ضایع نام

ج) برای من قصه های شیرینی سی گفت صحنه امنی

د) زری که سلطان محمود به غزو از بتخانه ها به شمشیر بیاورده باشد... ضرب ضرب ضرب



چهار

ضرب

گفت

در هریک از گزینه‌های گروه الف کدام یک از آرایه‌های گروه ب به کار رفته است؟ (در گروه ب یک مورد اضافه ذکر شده است.)

ردیف	الف	ب
۱	او اختران را در آسمان نهاد تا به بر و بحر نشانمان باشند.	الف: تلمیح
۲	سلطان محمود به غزو از بتخانه‌ها به شمشیر بیاورده باشد.	ب: تشخیص
۳	دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر / کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست	ج: مجاز
		د: تضاد

مولانا ✓ آیه به راستان در نظر انوشیروان

قلمرو فکری

بیت زیر، بیانگر چه دیدگاهی است؟

کدام دانه فرو رفت در زمین که نرست؟

چرا به دانه انسانیت این گمان باشد؟

تناسخ - زندگی پس از مرگ - معاد

منظور شاعر از « چراغدان » در بند زیر چه کسانی است؟

« از شعله به خاطر روشنایی اش سپاسگزاری کن اما چراغدان را هم که همیشه صبورانه در سایه می ایستد از یاد مبر »

سایه
صحنه

زمینه سازان ضمیر و قلوبی

ضمیر - قلوبی
بیلی لنده

فداکاری - ایثار - از خودگذشتگی

عبارت « ای دوست ، ابتدا از بریدن بند اصحاب اولی تر. » با کدام گزینه ارتباط معنایی دارد؟

الف (چشم تر و نان خشک و روی تازه

ب (مروت نبینم رهایی زبند

ج (زور داری چون نداری علم کار

د (شماریت با من نباید گرفت

الف (چشم تر و نان خشک و روی تازه

ب (مروت نبینم رهایی زبند

ج (زور داری چون نداری علم کار

د (شماریت با من نباید گرفت

در بیت زیر منظور از قسمتهای مشخص شده را بنویسید.

بریده دل از ترس گیهان خدیو

خداوند جهان

خروشید کای پایمردان دیو

دیاران صلوات ظالم فدکان

همیشه فور و جات فور بودن

مفهوم قسمت های مشخص شده را بنویسید.

الف) مگر تو را به نفس خویش حاجت نمی باشد و آن را بر خود حقی نمی شناسی؟

بدرید و بسپرد محضر به پای

ب) خروشید و برجست لرزان ز جای

ارد کردن و عدم قبول صبری

هر یک از ابیات « ستون الف » با کدام مفهوم « ستون ب » تناسب دارد؟ (یک مورد اضافی است)

ب	الف
لزوم اطاعت از رهبر	۱) از آنها که خونین سفر کرده اند
باز گشت به اصل	۲) کدام دانه فرو رفت در زمین که نرست
اعتقاد به معاد	۳) ما به فلک بوده ایم ، یار ملک بوده ایم شهر ماست
پر مخاطره بودن راه عشق	۴) یعنی کلیم آهنگ جان سامری کرد
آگاهی بخشی	ای یاوران باید ولی را یآوری کرد

عقد اسمائیل

مرحوم
(امام فخر)

حکایه حضرت

با توجه به آیات زیر به سوالات پاسخ دهید .

بر نامدارانش بنشانند

ستم دیده را پیش او خواندند

که بر گوی تا از که دیدی ستم؟

بدو گفت مهتر به روی دژم

الف) منظور از «ستم دیده» چه کسی است؟ کاو

ب) «روی دژم» بیانگر چه حالتی است؟ ضم

بِالْفَيْبِ

معنی و مفهوم قسمت مشخص شده چیست؟

این مرد بزرگ و دبیر کافی، به نشاط. قلم در نهاد.

بِوَضْر

در عبارت های زیر، مقصود از قسمت مشخص شده چیست؟

الف) می ترسم که اگر از گشادن عقده های من آغاز کنی، ملول شوی.

ب) چون او را در بندِ بلا بسته دید، زهاب دیدگان بگشاد.

بِوَضْر

گرمی به نوشتن سرد

باز کردن لکه بند (سپاس) من

کمتر به کردن

شاعر در کدام بیت، به بیان «نابودی و انقراض حکومت» پرداخته است؟

الف) در آن دریای خون، در دشت تاریک / به دنبال سرِ چنگیز می گشت

ب) در آن تاریک شب می گشت پنهان / فروغ خرگه خوارزمشاهی

مقصود نویسنده از عبارت زیر چیست؟
از تجارب برای دفع حوادث سلاح‌ها توان ساخت.

استفاده از تجربه‌ها در زمان بلای و عار

بِإِصْلَاحٍ عَسَىٰ يَمِيزُ
صِلَاحٍ عَسَىٰ كَارِئٍ

کدام بیت زیر سفارش به عدم اعتراض عاشق است؟

الف) مگو سوخت جانم از فرط عشق / خموشی است هان، اولین شرط عشق

ب) بزن زخم، این مرهم عاشق است / که بی زخم مردن، غم عاشق است

عاشق و لعلی باید بر سوت و بی ادبانی برای

مشرق جان (هدر)

عبارت زیر در اصطلاح ادبی، بیانگر کدام ویژگی نوشته سعدی است؟

این تنها خصوصیت سعدی است که سخنش به سخن همه شبیه باشد و به هیچ کس شبیه نباشد.

سهل و همگن

درستی و نادرستی هر یک از موارد زیر را تعیین کنید.

الف) مفهوم بیت «یک بار هم ای عشق من از عقل میندیش / بگذار که (دل) حل بکند مسئله‌ها را»، تقابل عقل و عشق و عجز عقل است. درست

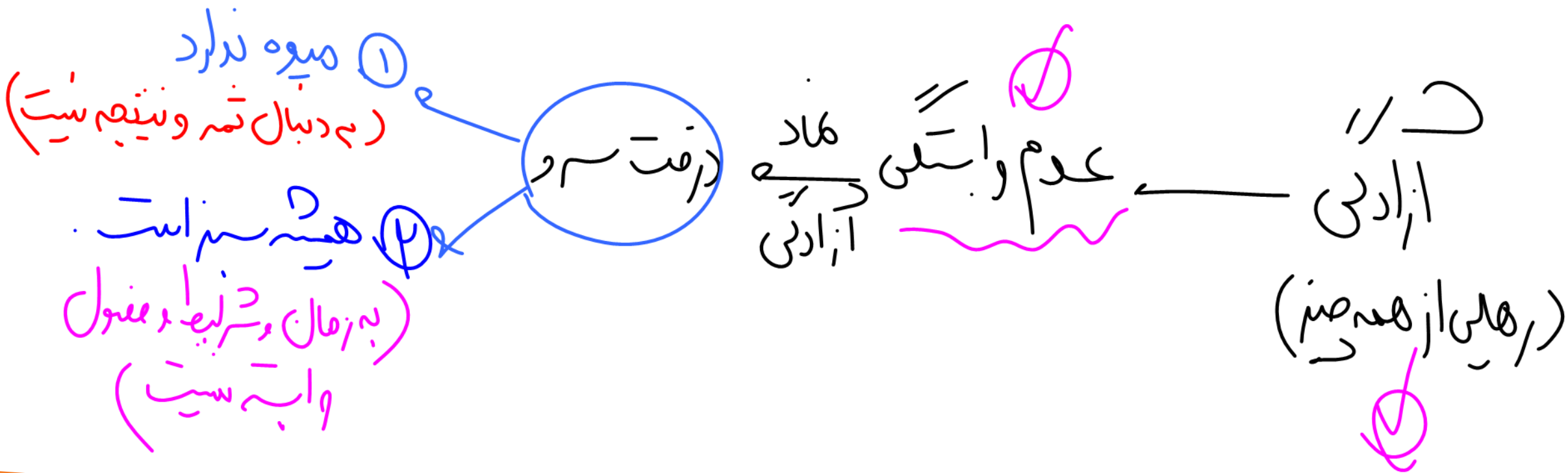
ب) گوینده در بیت «رزق هر چند بی‌گمان برسد / شرط عقل است جستن از درها» به رعایت تعادل در کسب روزی توصیه می‌کند. نادرست

ج) در بیت «به ترتیبی نهاده وضع عالم / که نی یک موی باشد بیش و نی کم»، سخن از «مبهم بودن راز هستی» است.

نادرست

وجود سلامت در آفرینش

با توجه به عبارت «گفت: هر درختی را ثمره معین است که به وقتی معلوم، به وجود آن تازه آید و گاهی به عدم آن پژمرده شود و سرو را هیچ از این نیست و همه وقتی خوش است و این است صفت آزادگان.» ویژگی مشترک سرو و آزادگان چیست؟

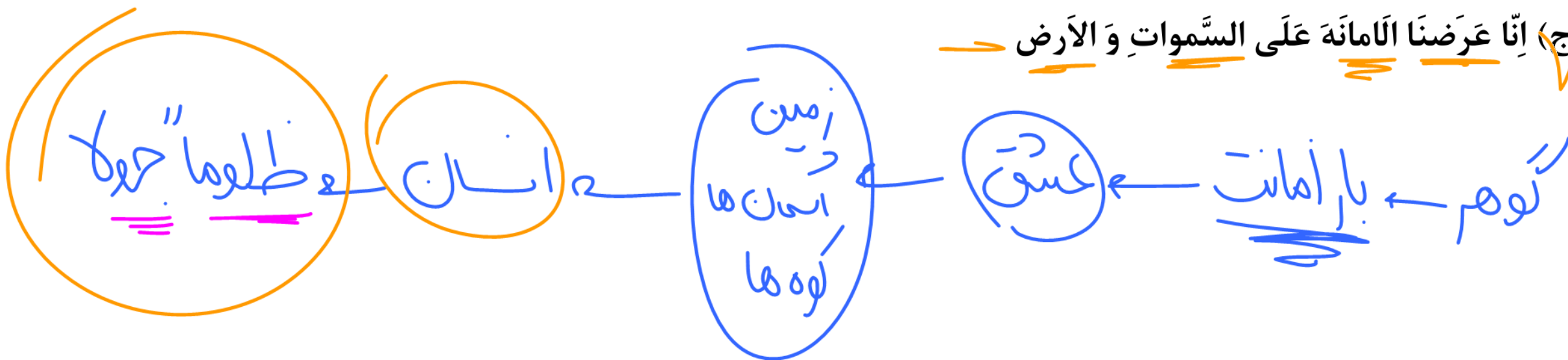


مفهوم عبارت « آن گوهر را در صدف امانت تعبیه کرده و بر ملک و ملکوت عرضه داشته هیچکس استحقاق خزانه داری آن گوهر نیافته جر جان آدم...» با کدامیک از آیات زیر تناسب دارد؟

الف) و عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا

ب) الْعَبْدُ يُدَبِّرُ وَ اللَّهُ يُقَدِّرُ

ج) إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ



همه ابیات به جز بیت بیانگر «همراهی مردم با قیام کاوه» هستند.

بر او انجمن گشت بازارگاه

سپاهی بر او انجمن شد، نه خرد

برآمد خروشیدن دادخواه

ز نرد ~~بیک~~ ضحاک بیرون شدند

نرد

مردم + کاوه

الف) چو کاوه برون شد ز درگاه شاه

ب) همی رفت پیش اندرون مرد گرد

ج) هم آنگه یکایک ز درگاه شاه

د) سوی لشکر آفریدون شدند

همه